

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

فرهنگ اشارات و تلمیحات در غزلیات سنایی

استاد راهنما:

دکتر پدram میرزایی

استاد مشاور:

دکتر فاطمه کوپا

نگارش:

بنفشه مشهدی ایوز

تیر - ۱۳۸۸

پیشکش به ستاره های صبورزندگیم پدر و مادر عزیزم که
دعای خیرشان را نثارم کردند تا همواره اشتیاق بالندگی در
خاطرم زنده باشد.



تقدیم به دوستانم

آنها که بهترین خاطراتم را در کنارشان تجربه کردم .

و تقدیم

به حامی تک تک لحظه های سخت زندگیم " نامداری عزیزم "

کسی که همواره همچون چشمه ای زلال و جوشان در کنارم بود .

باتشکر

از استاد گرامی، جناب آقای دکتر پدرام میرزائی که
زحمت راهنمایی اینجانب را بر عهده گرفتند.

درود فراوان بر همتش

تقدیر و تشکر

امروز پایانی را به نظاره نشستیم که روزی آغازش کرده بودیم و در یک چنین پایانی با نهایت احترام از تمام عزیزانی که مرا یاری رساندند سپاسگزاری می کنم در ابتدا از :

استاد مشاور عزیزم : سرکار خانم دکتر " فاطمه کوپا " ؛ به پاس راهنمایی های ایشان که هموار کننده راهم بود .

پدر و مادر مهربانم : به پاس لطفهای بی دریغشان ؛ که امروز اگر موفقیتی هست مرهون یک چنین انسانهای ارزشمندی است .

برادران عزیزم : که با مشارکت خویش در مراحل مختلف این پژوهش امکان انجام آن را در اختیارم نهادند .

از سحر عزیزم : که از هیچ امری جهت یاری به من دریغ نکرد.

و عزیزانی دیگر که هر یک به نوعی یاری رسانده اند ؛ بنابراین خود را مدیون یاری آنان می دانم و آرزوی توفیق روز افزون برای آنان را از خداوند متعال خواستارم .

باشد که برای آسایش خلقش تلاش کنیم

چکیده

تلمیح از جمله شگردها و فنونی است که شاعر برای بیان مقصود و زیباسازی کلام خود از آن بهره می‌گیرد، که علاوه بر ایجاز و اختصار از گسترش معنایی بالایی برخوردار است. در شعر فارسی انواع تلمیحات کاربرد دارد و در غزل عرفانی بیشتر از تلمیحات مذهبی استفاده می‌شود. برای درک و فهم عبارت یا ابیاتی که در آن تلمیح وجود دارد، اطلاع و آگاهی کامل از داستان، شعر، مثل مورد اشاره، ضرورت دارد، زیرا این شناخت و آگاهی باعث درک صحیح اثر و دیدگاه شاعر یا نویسنده می‌شود و شیرینی کلام او را دو چندان می‌کند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا به بررسی تلمیحات در غزلیات سنایی می‌پردازد. سنایی از جمله شاعرانی است که در غزلیات خود از تلمیح و اشاره به میزان نسبتاً زیادی استفاده کرده است و درک بسیاری از اشعار او منوط به شناخت تلمیحات اوست. یکی از انواع تلمیح اشاره به حوادث و اشخاص می‌باشد. این نوع تلمیح در غزلیات سنایی از بسامد بالایی برخوردار است و اشاره به آیات و احادیث کاربرد کمتری دارد. همچنین اشاره او به اصطلاحات دینی و مذهبی بیشتر از اصطلاحات عرفانی می‌باشد.

واژگان کلیدی:

غزلیات - سنایی - تلمیح - اشاره

فهرست مطالب

فصل اول

ا	کلیات تحقیق
	بیان مسئله	
	سوالهای اصلی تحقیق	
ب	اهداف پژوهش
	پیشینه تحقیق	
	جامعه آماری	
ج	روش و ابزار گردآوری اطلاعات
۱	مقدمه
۳	زندگی نامه سنایی
۷	تعریف اصطلاحات

فصل دوم

۱۱	داده‌های پژوهش
----	----------------	-------

فصل سوم

۴۰۹	نتیجه گیری
۴۱۰	نمودار تلمیحات
۴۱۱	راهنمای الفبایی تلمیحات
۴۱۷	منابع و مآخذ

فصل اول

کلیات تحقیق

بیان مسئله

شعر در برگیرنده احساس است. برای بیان احساس معمولاً از زبان فشرده با ویژگیهای خاص استفاده می شود. البته ضروری است که مطلب در ضمن فشردگی، از گستردگی معنایی و زیبایی لازم برخوردار باشد.

تلمیح را به صورت محدود اشاره به داستان یا شعر یا مثل یا حدیث یا آیه گفته اند و اگر کمی آن را توسعه معنایی بدهیم، اشاره به فرهنگ اساطیر، باورها، عقاید و آداب و رسوم و علوم قدیم را نیز شامل می شود.

سنایی از جمله شاعرانی است که در غزلیات خود از تلمیحات و اشارات استفاده کرده است. با شناخت و بررسی دقیق تلمیحات او هرچه بیشتر به زیبایی سخن، هنر نمایی شاعر و ظرافت های فکری او می توان پی برد.

سوالات اصلی تحقیق

این تحقیق در پی آن است که به سوالات ذیل پاسخ گوید:

- ۱- تلمیحات سنایی بیشتر از کدام دسته است؟
- ۲- میزان توجه و کاربرد تلمیحات عرفانی در غزلیات سنایی تا چه اندازه ای است؟
- ۳- آیا سنایی در به کار بردن تلمیحات اشتباه نیز دارد؟

هدف ها

- آشنایی بیشتر و عمیق تر با غزلیات سنایی.
- تسهیل در تفهیم اشعاری که در آن تلمیح به کار رفته است.
- معرفی کردن تلمیحاتی که سنایی به اشتباه به کار برده است.

پیشینه (سابقه و ضرورت انجام تحقیق)

استخراج تلمیح به صورت فرهنگ سابقه ای چندان طولانی ندارد؛ اما با گسترش روز افزون دانش آموختگان در ادبیات فارسی و پیشرفت علوم استادان طراز اول به تدوین تلمیحات به کار رفته در آثار پرداخته اند. از اهم این موارد می توان به کتب زیر اشاره کرد:

فرهنگ تلمیحات دکتر شمیسا، فرهنگ اشارات دکتر شمیسا، اسرار التوحید، تألیف دکتر شفیع کدکنی، دیوان عثمان مختاری به تصحیح جلال الدین همایی...

اما تاکنون پژوهش جامع و مستقل در زمینه تلمیحات در غزلیات سنایی انجام نگرفته است.

جامعه آماری

کل غزلیات سنایی (۴۰۷ غزل)

روش تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات

روش : تحلیل محتوا

ابزار فیش برداری

در این پژوهش با مراجعه به منابع و مآخذ مکتوب و با استفاده از روش فیش برداری، اطلاعات مورد لزوم گردآوری شد و سپس طبقه بندی موضوعی مطالب مد نظر قرار گرفت و در نهایت مطالب به ترتیب الفبایی تنظیم و ثبت گردید.

توضیحات

- در کنار بعضی از عناوین اصلی، کلمه ای در داخل پرانتز ذکر شده است، زیرا توضیحات آن عنوان، در منبع مورد استفاده در ذیل کلمه داخل پرانتز آورده شده بود نه در ذیل کلمه ای که در بیت آمده است.

- در مقابل هر بیت شماره غزل و بیت آورده شده است. بطور مثال: (۲:۲۹۳) عدد «۲۹۳» شماره غزل می باشد و عدد «۲» شماره بیت است.

- در صورتی که مدخلی به عنوان مدخل اصلی محسوب شده باشد مدخل های فرعی ذیل مدخل اصلی شرح و فقط مدخل فرعی به مدخل اصلی ارجاع داده شده است.

مانند: شب معراج

← محمد (ص)

مقدمه

امروزه معنای تلمیح گسترش یافته است و اشاره به فرهنگ عامه و آداب و رسوم و عقاید و علوم قدیم نیز جزء تلمیح محسوب می گردد. اگر امروز کسی با این علوم و آداب و رسوم آشنایی نداشته باشد، از درک بسیاری از اشارات در آثارشعرا و نویسندگان باز خواهد ماند.

اگر تلمیحات را طبق دسته بندی دکتر شمیسا (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۱) در دو مقوله: تلمیحات اسلامی و تلمیحات ایرانی مورد بررسی قرار دهیم باید گفت در شعر فارسی هر دو گونه تلمیح به کار رفته است.

نویسنده با استفاده از تلمیح، قدرت و تاثیرکلام خود را بالا می برد. زیرا کلام مستقیم به وسیله تلمیح، کنایی و غیر مستقیم می شود و در نتیجه تأثیر بیشتری را بر روی مخاطب باقی می گذارد. شاعر یا نویسنده با استفاده از تلمیح تمام مقصود داستان را به طور خلاصه بیان می کند. زیرا در حقیقت استفاده از یک یا چند واژه برای کسی که با اصل داستان آشنا است، بیانگر معنای حقیقی آن داستان است.

تلمیح معمولاً از دو جز تشکیل می شود. اگر ارتباط بین اجزاء تلمیح قوی باشد و شاعر در شعر خود از اجزاء اصلی آن استفاده نماید، فهم و درک شعر برای خواننده آسان تر می گردد. اما اگر از اجزاء غیر معروف تر آن استفاده کند، درک آن نیز برای خواننده دشوارتر خواهد بود.

تلمیح در دست شاعران به گونه های مختلفی کاربرد داشته است. عده ای برای مدح، یا برای بیان احساس و بعضی دیگر برای بیان آموزه های عرفانی و اخلاقی از آن استفاده کرده اند.

عده ای از شاعران در استفاده از تلمیحات از توانمندی بیشتری برخوردار هستند و تنها به چیدن بعضی از اجزاء تلمیح در کنار هم بسنده نکرده اند و بین آنها رابطه هنری و معنایی نیز برقرار کرده‌اند.

سنایی از جمله شاعرانی است که با توانمندی در غزلیات خود از تلمیحات به طور گسترده ای استفاده کرده است. که این پژوهش بر آن است تا به بررسی و بیان آن بپردازد.

زندگینامه سنایی

«نام و کنیه و تخلص سنایی چنانکه تذکره نویسان آورده اند و خود او نیز در آثارش بدان تصریح کرده، «ابوالمجد مجدود بن سنایی» است. سال تولد وی باید در حدود سال ۴۶۳ یا ۴۷۳ باشد و سال وفاتش در سال ۵۳۵ است.

محل تولد حکیم به طور قطع و یقین شهر غزنین است و مکرر در اشعار خویش به زادگاهش اشاره کرده است. آرامگاه و مدفن وی در شهر غزنین است و ظاهراً هیچ اختلافی در آن نیست و از همان ابتدا مزار شریفش معین و خانقاهش معمور بوده و اکنون بقعه ای رفیع و باشکوه دارد و اهل غزنین و مردم آن سامان را بدان مرقد شریف توجه تام است.

حکیم سنایی دین دار و نیکو اعتقاد و پسندیده اطوار بوده و به عنایت ازلی راه به سرچشمه اصلی برده و در مدت زندگی پیوسته در جاده شریعت قدم می زده و به سنن و آداب دیانت پای بند بوده و به طوری که خودش می گوید بنده دین و چاکرورع و پارسائی بوده است.

آنچه در باب مذهب حکیم مسلم است آن است که وی محب خاندان رسالت و دوستار حضرت علی (ع) و آل او بوده و او را از جمیع صحابه افضل و اعلم و اتقی می دانسته است و معتقد بوده که خلافت حق علی و اولاد اوست و چون درخت دین را علی نشانده، سخت زشت است که دیگری جز او به باغبانی آن گماشته شود.» (مدرس رضوی، ۱۳۸۵: با تلخیص سی و یک - شصت و

(دو)

«دوران کودکی و جوانی سنایی در غزنین گذشت و در همین شهر به تحصیل علوم و معارف زمانه پرداخت و در تمام میدانهای معرفت عصر، از ادبیات عرب گرفته تا فقه و حدیث و تفسیر و طب و نجوم و حکمت و کلام به درجه والایی رسید و این مقام علمی او را، از خلال یک یک آثار او، می‌توان به روشنی دریافت.

خاندان سنایی از خاندانهای اصیل عزنه بودند و پدرش آدم، مردی با بهره از معرفت بود و به احتمال قوی، در تعلیم و تربیت رجال عصر، صاحب مقام و اعتبار بوده است. سنایی در جوانی هنگامی که هنوز پدرش زنده بود، یک چند به بلخ سفر کرد و این مسافرت گویا برای پیدا کردن شغل و ممر معیشت او بوده است. بعد از این سفر سنایی سفری دیگر به نواحی دورتر خراسان، از جمله سرخس و نیشابور و هرات کرد و بیشترین اقامت او در سرخس بوده است در این شهر با محمدبن منصور سرخسی، از صوفیان و علمای عصر که خانقاه مشهوری در سرخس داشت آشنا شد و یک چند مقیم آن خانقاه بود. معلوم نیست که توجه سنایی به مشرب عرفان و صبغه عرفانی شعروی تا چه حد متأثر از محیط سرخس و اقامت در این خانقاه بوده است.

یکی از نکاتی که در زندگی سنایی، همراه با افسانه‌های شگفت آور شده است، مساله دگرگونی احوال او و در نتیجه تحول شعر اوست. سنایی شاعری مدیحه سرا بود و عمر خود را در این راه سپری کرده بود. وقتی از کنار گلخن حمامی عبور می‌کرد، متوجه شد که یکی از مجذوبان عصر که به نام «دیوانه لای» خوار شهرت داشت با ساقی خود می‌گوید: «پر کن قدحی تا به کوری چشم ابراهیمک غزنوی (پادشاه ممدوح سفائی که در فاصله ۴۵۱-۴۹۲ سلطنت کرده است) بنوشم.»

و آن قدح ستد و نوش کرد. و بازساقی را گفت: «پرکن قدحی دیگر تا به کوری چشم سنایک شاعر بنوشم» ساقی گفت: «درباب سنایی زبان طعن دراز مکن که او مردی ظریف و خوش طبع و مقبول خاص و عام است.» گفت: «غلط مکن که بس مردکی احمق است. لاف و گزافی چند فراهم آورده و شعر نام نهاده. از روی طمع هر روز دست بر دست نهاده و به پادر پیش ابلهی دیگر ایستاده و خوش آمدی می گوید. و این قدر نمی داند که او را برای شاعری و هرزه گویی نیافریده اند. اگر روز عرض اکبر از او سوال کنند که «ای سنایی به حضرت ما چه آوردی؟ چه عذر خواهد آورد؟» حکیم چون این سخن بشنید از حال برفت و دل او از مذمت مخلوق بگردید و از دنیا دل سرد شد و دیوان مدح ملوک را در آب انداخت و طریقت انقطاع و زهد و عبادت را در شعار خود ساخت.

سنایی پس از مدتی اقامت در سرخس و پس از گردش در هرات و نیشابور در سالهای پایانی عمر، دوباره به غزنین بازگشت و به جمع آوری آن دسته از شعرهای عرفانی و اخلاقی خویش که در قالب مثنوی و در بحر خفیف سروده شده بود، پرداخت و قصد داشت که منظومه ای مرکب از فصول متنوع در باب اخلاف و عرفان به نام «فخری نامه» یا «الهی نامه» یا «حدیقه الحقیقه» فراهم سازد و آن را تقدیم محضر بهرامشاه غزنوی (۵۱۱ تا ۵۴۸) پادشاه عصر خویش کند، که این پادشاه سلطانی فرهنگ دوست و ادب شناس بود و در حق سنایی عقیدتی تمام داشت و بارها کوشیده بود که او را به دربار خویش بکشاند و سنایی در بازگشت از سفرهای خویش، ظاهراً از پذیرفتن دعوت های پادشاه دوستانه سرباز زده بود. هنوز کار جمع آوری و تنظیم ابواب و فصول حدیقه یا فخری نامه به پایان نرسیده بود که سنایی بنا بر روایت مقدمه دیوانش، براساس ضبط نسخه قدیمی موزه کابل، در

شب یکشنبه یازدهم شعبان سال ۵۲۹ در خانه عایشه نیکو، در محله نوآباد غزنین زندگی را بدرود گفت.

آثار سنایی عبارتند از:

- ۱- دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات و مقطعات، که شامل حدود چهارده هزار بیت است. ۲-
- حدیقه الحقیقه ۳- سیر العباد الی المعاد ۴- کارنامه بلخ ۵- تحریمه القلم ۶- مکاتیب سنایی ۷- طریق
- التحقیق ۸- عقل نامه ۹- عشق نامه ۱۰- سنایی آباد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۴)

تعریف اصطلاحات

اشاره

«به رمز نمودن، با اشاره دست و چشم و ابرو مطلبی را القاء کردن. با انگشت و چشم ایما

کردن.» (دهخدا، ۱۳۷۷: اشاره)

«رمز و ایما که اغلب به سر و دست و چشم و ابروست در ادبیات عرفانی و در نزد اهل الله

عبارت از خبر دادن از مراد، بدون عبارت و الفاظ است. صاحب اللمع گوید: اشارت چیزی است که

پنهان باشد بدون عبارت و الفاظ؛ و به واسطه عبارت مکشوف نباشد. یعنی نتوان آن را به واسطه لفظ

و عبارت آشکار کرد، از جمله دقت و لطافت معنی.» (سجادی، ۱۳۸۶: ۱۰۴)

اقتباس

«اقتباس در اصل لغت به معنی پرتو نو رو فروغ گرفتن است، چنانکه پاره‌یی از آتش را بگیرند و

با آن آتش دیگر بر افروزند، یا از شعله چراغی، چراغ دیگر را روشن کنند، و به این مناسبت، فرا

گرفتن علم و هنر، و ادب آموختن یکی را از دیگری «اقتباس» می گویند.

و در اصطلاح اهل ادب، آن است که حدیثی یا آیتی از کلام الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و

چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتقال.» (همایی، ۱۳۷۰:

۳۸۳)

تضمین

«چیزی را به ضمان دادن در فن عروض وابسته بودن قافیه بیت است به ما بعد خود بدان سان که بیت بالاستقلال فایده (معنی) نکند و آن عیب است. نوع اول آن است که تمام معنی بیت اول به بیت دوم متعلق باشد و بر آن موقوف، و آن بیت را مضمن خوانند و ضمان مال در شریعت آن است که کسی ذمت خویش را در تعلق دین با ذمت مدیون پیوندد و گویند در ضمان خدا باش یعنی به حفظ و کلائت خدا پیوسته باش و به حکم آنکه استادان صنعت گفته‌اند که شعر چنان می باید که هر بیت به نفس خویش مستقل باشد و جز در ترتیب معانی و تسبیح سخن به یکدیگر محتاج نباشد، بدین جهت تضمین را عیب شمرده اند. و نوع دوم از تضمین آن است که بیتی یا مصراع‌ی از شعر دیگران را در شعر خویش درج کند و این نوع اگر در موضع خویش متمکن باشد و در عذوبت و رونق ماقبل بیفزاید آن را پسندیده دارند.» (دهخدا، ۱۳۷۷: تضمین)

«تضمین آن است که در ضمن اشعار خود یک مصراع یا یک بیت و دو بیت را بر سبیل تمثیل و عاریت از شعرای دیگر بیاورند، با ذکر نام آن شاعر یا شهرتی که مستغنی از ذکر نام باشد به طوری که بوی سرقت و انتحال ندهد.» (همایی، ۱۳۷۰: ۲۱۷)

تلمیح

«تلمیح به تقدیم لام برمیم (از ریشه لمح) در لغت به معنی دیدن و نظر کردن و آشکار ساختن و اشاره کردن است و در اصطلاح علم بدیع اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر است، به شرطی که آن